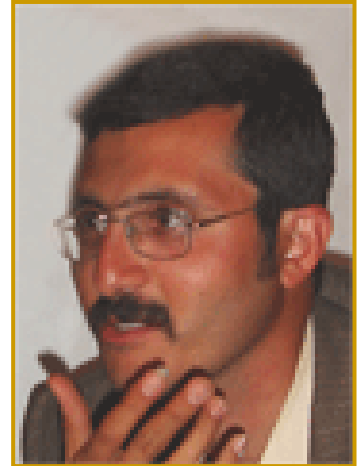


## افشین آزاده است و ما آزادگی اش را پاس می داریم

خسرو صادقی

بیست هشتم تیر هشتاد و هفت



افشین شمس قهفرخی عضو کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری، عضو کمیته دفاع از محمود صالحی و عضو دبیر انجمن کاریکاتور اصفهان روز ۵ شنبه ۱۳ تیر ماه در الیگودرز در محل کارش بازداشت شد و هم اکنون در زندان دستگرد اصفهان به سر می برد.

منزل پدری وی در اصفهان مورد بازرسی اداره اطلاعات قرار گرفت و اموال شخصی وی توقیف گردید. اما مگر او چه دارد جز کتاب و دست نوشته، جز رنجامه های کارگران. اولین بار با دیدن مقاله ای در مورد **network marketing** در سایت فرهنگ توسعه با وی آشنا شدم. بعد از آن از تجربه شخصی اش برایم گفت. از چکمه بوسان نظام سرمایه

که قصد فریض را داشتند و همچون همیشه با اراده ای راسخ رسوایشان کرده بود.

افشین با آنکه درس خوانده است و مهندس عمران میباشد اما همچون بسیاری تحصیلاتش او را برج عاج نشین نکرده است. آخرین بار دو هفته پیش از بازداشتش او را دیدم همچون همیشه مصمم و صمیمی. برایم جالب بود که بر خلاف بسیاری تحصیل کردگان تازه به دوران رسیده که مدرکشان را عامل استثمار زبردست قرار میدهند خود را در کنار هزاران کارگری قرار می داد که هرروزه زیر بار سرمایه تحمل رنج می کنند.

از کارش گفت. از کاری که پس از ماهها تلاش و دوندگی به دست آورده بود. از خستگی های کارش گفت. از کار اضافی اش گفت و ارزش اضافی نهفته در کارش. ارزش اضافی که هیچ کارگری آنرا نمی بیند.

از خوانش فصل اول «کاپیتال» ترجمه حسن مرتضوی برایم گفت ترجمه اش را ستود و تئوری های «کاپیتال» را با عینیات محل کارش تطبیق داد: «آری کاپیتال هنوز زنده است». از اضافه کاری های اجباریش برایم گفت: «می گن اضافه کاریه پولش می دیدیم، می گم نه پولش می خوام نه اضافه کاریش، می گن همیشه اضافه کاری خواهی». از شب هایی برایم گفت که پس از ۱۲ ساعت کار توان ایستادن روی پارا ندارد. بار دیگر از سرمایه گفت و بربریت نهفته در ذاتش. از ضرورت پیوند جنبش های اجتماعی گفت. همچون همیشه بیانش امیددی دیگرگون را در درونم پدیدار می کرد. افشین کارگری است که شرف انسانی اش او را به «نه» گفتن به جهان غیر انسانی و می دارد.

امروز افشین دربند است. گفته اند برانداز است. آری افشین برانداز است! برانداز نظام انسان کش سرمایه. برانداز نظامی است که حد اکثر مواهب زندگی در تملک عده قلیلی است و حد اکثری که مولدان این ثروت عظیم اند از آن بی بهره اند.

برانداز نظامی که با بهره کشی و تملک ارزش اضافی زحمتکشان زنده است. زحمتکشان، کارگران، و همه آنانی که جز نیروی کارشان چیزی برای فروش ندارند. آری افشین برانداز است. برانداز نظامی که بیمار با جیب تهی در بیمارستان

پذیرفته نمی شود و انسان، نه تنها انسانیتش که اعضا بدنش را بهر لقمه ای نان به حراج می گذارد. بر انداز نظام از خود بیگانه ای است که در آن «داشتن» بر «بودن» غلبه یافته، نظام ددمنشی که بر سر درش حك شده: «انسان گرگ انسان است.» افشین ها پیکارگران جهان انسانی اند. جهانی که در آن « انسان انسان انسان است» افشین دربند است و ما آزاد! زهی خیال باطل. افشین آزاده است و ما آزادگی اش را پاس می داریم در رهایی او از هیچ کوششی فرو گذار نیستیم. نه چون رفیقمان است که چون انسانی است آزاده که شرافت انسان بودنش را به سرمایه نمی فروشد.

خسرو صادقی

فرهنگ توسعه شماره ۲۱۹

جمعه ۱۳۸۷/۴/۲۱

[info@farhangetowsee.com](mailto:info@farhangetowsee.com)